Journal of
Comparative Criminal Jurisprudence
www.jccj.ir

Volume 5, Issue 5, 2026

A Comparative Analysis of the Status and Effectiveness of Judicial and Quasi-Judicial Bodies Supervising Administrative Powers in Iranian and Iraqi Law

Muthanna Amer Joudah Al-Zubaidi [1], Faramarz Atrian [2*], Alireza Ansari Mahyari [3]

1. Department of law, Na.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran.
2. Department of Law, Na.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran. (Corresponding Author)
3. Department of Law, Na.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article: ***Original Research***
Pages: ***303-310***

Corresponding Author's Info
ORCID: *0000-0003-3311-0575*
TELL: *+980000000000*
Email: *atrian.f@iau.ac.ir*

Article history:
Received: *30 May 2025*
Revised: *15 Jun 2025*
Accepted: *12 Jul 2025*
Published online: *20 Feb 2026*

Keywords:
Administrative Justice Court, Iraqi Administrative Court, Judicial Review, Quasi-Judicial Body, Effectiveness, Administrative Justice, Comparative Law.

ABSTRACT

This study aims to comparatively analyze the status, structure, and effectiveness of judicial and quasi-judicial bodies responsible for overseeing the exercise of administrative powers in the legal systems of Iran and Iraq. An examination of these bodies from jurisprudential, legal, and institutional perspectives reveals that both countries emphasize common principles, including the principle of legality of administrative decisions, the prohibition of arbitrary administrative action, and the necessity of accountability and effective oversight of the administration. In Iran, the Administrative Justice Court and affiliated quasi-judicial bodies have established a more coherent framework for exercising judicial oversight and restricting administrative discretion. In Iraq, however, despite legislative and technological advances, the Administrative Court continues to face challenges concerning institutional independence and the enforcement of its judgments. This study adopts a descriptive-analytical and comparative research method, drawing on jurisprudential sources, legislative documents, and judicial decisions. The findings indicate that integrating jurisprudential principles with statutory provisions in Iran and Iraq could provide a model for enhancing the effectiveness and transparency of administrative oversight in Islamic legal systems.

This is an open access article under the CC BY license. © 2026 The Authors.

How to Cite This Article: Al-Zubaidi, M; Atrian, F & Ansari Mahyari, A (2026). "A Comparative Analysis of the Status and Effectiveness of Judicial and Quasi-Judicial Bodies Supervising Administrative Powers in Iranian and Iraqi Law". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 5(5): 303-310.

فصلنامه فقه جزای تطبیقی
www.jccj.ir

دوره پنجم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۴

تحلیل تطبیقی جایگاه و کارآمدی نهادهای قضایی و شبه‌قضایی ناظر بر اختیارات اداره در حقوق ایران و عراق

مثني عامر جوده الزبيدی [۱]، فرامرز عطریان [۲*]، علیرضا انصاری مهیاری [۳]

۱. گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.
۲. گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. (نویسنده مسؤول)
۳. گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی
صفحات: ۳۰۳-۳۱۰

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۰۰۰۰-۰۰۰۳-۳۳۱۱-۰۵۷۵
تلفن: ۹۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰+
ایمیل: atrian.f@iau.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۹
تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۱
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

دیوان عدالت اداری، دیوان اداری عراق، نظارت قضایی، نهاد شبه‌قضایی، کارآمدی، عدالت اداری، حقوق تطبیقی.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل تطبیقی جایگاه، ساختار و کارآمدی نهادهای قضایی و شبه‌قضایی ناظر بر اختیارات اداره در دو نظام حقوقی ایران و عراق انجام گرفته است. بررسی این نهادها از منظر فقهی، حقوقی و نهادی، نشان می‌دهد که هر دو کشور بر اصول مشترکی همچون اصل قانونی بودن تصمیمات اداری، منع خودسری مقام اداری، و ضرورت پاسخگویی و نظارت مؤثر بر اداره تأکید دارند. در ایران، دیوان عدالت اداری و مراجع شبه‌قضایی وابسته، ساختار منسجم‌تری در اعمال نظارت و تحدید اختیارات اداری دارند؛ درحالی‌که در عراق، دیوان اداری با وجود پیشرفت‌های قانونی و فناورانه، از ضعف در استقلال نهادی و ضمانت اجرای آراء رنج می‌برد. روش تحقیق، تحلیلی ـ توصیفی و تطبیقی بوده و با اتکا بر منابع فقهی، اسناد قانونی و آراء قضایی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تلفیق مبانی فقهی و قانونی در ایران و عراق می‌تواند الگویی برای ارتقاء کارایی و شفافیت نظارت اداری در نظام‌های اسلامی باشد.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی مقاله حاضر به‌صورت غیرتجاری را دارند.

© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

نظارت بر اختیارات اداری از اساسی‌ترین موضوعات حقوق عمومی در جوامع معاصر است؛ زیرا میان ضرورت اقتدار دولت در اداره امور و لزوم پاسخگویی و تحدید قدرت تعادل برقرار می‌کند. در نظام‌های حقوقی اسلامی، از جمله ایران و عراق، این مسأله از جایگاه دوگانه‌ای برخوردار است: از یک‌سو ریشه در مبانی شرعی عدالت، امر به معروف و نهی از منکر و اصل شورا دارد و از سوی دیگر در ساختار مدرن حقوق اداری، با نهادهای قضایی و شبه‌قضایی پیوند یافته است. بررسی تطبیقی نهادهای نظارتی در دو کشور، فرصت ارزشمندی برای تحلیل نحوه تعامل میان فقه و قانون در تضمین عدالت اداری و حفظ حقوق شهروندان فراهم می‌سازد. تحولات نهادی در ایران و عراق پس از شکل‌گیری دولت‌های مدرن، مسیر متفاوتی را طی کرده است.

در ایران، دیوان عدالت اداری به‌عنوان نهاد عالی نظارت بر اداره در قانون اساسی جمهوری اسلامی (اصل ۱۷۳) تثبیت شده و نقش تعیین‌کننده‌ای در ابطال تصمیمات غیرقانونی مقامات اداری دارد. در عراق نیز دیوان اداری به موجب قانون اساسی ۲۰۰۵ و اصلاحات بعدی ایجاد گردید تا با رسیدگی به دعاوی اداری، عدالت اداری و پاسخگویی مقامات اجرایی را تضمین کند. با این حال، هر دو نظام با چالش‌هایی همچون تداخل صلاحیت نهادهای نظارتی، ضعف ضمانت اجرا و پراکندگی مراجع شبه‌قضایی روبه‌رو هستند.

۱- بیان مسأله

نظارت بر اختیارات اداری یکی از اساسی‌ترین مباحث در حقوق عمومی معاصر است، زیرا رابطه‌ای مستقیم میان اقتدار دولت و حقوق شهروندان برقرار می‌کند. دولت به‌عنوان بزرگ‌ترین نهاد اجرایی در هر نظام سیاسی، برای تأمین نظم عمومی، توسعه، عدالت اجتماعی و کارایی خدمات، ناگزیر از برخورداری از اختیارات وسیع اداری است. با این حال، تجربه تاریخی نشان داده است که اعطای اختیارات گسترده بدون پیش‌بینی سازوکارهای مؤثر نظارتی، زمینه‌ساز سوءاستفاده از قدرت، نقض حقوق شهروندان و شکل‌گیری بوروکراسی خودسر می‌شود. از این‌رو، ایجاد نهادهایی برای نظارت بر اعمال اداری، چه در سطح قضایی و چه شبه‌قضایی، ضرورت انکارناپذیر هر نظام حقوقی است.

در نظام حقوقی ایران، نظارت بر اداره بر پایه‌ی اصول فقه اسلامی و قواعد حقوق عمومی مدرن شکل گرفته است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۱۷۳ با تأسیس دیوان عدالت اداری، گامی بزرگ در جهت نهادینه‌سازی نظارت قضایی برداشت و این دیوان را مرجع اصلی رسیدگی به شکایات مردم علیه تصمیمات و اقدامات اداری قرار داد (احمدی، ۱۳۹۷: ۳۵). افزون بر آن، نهادهای شبه‌قضایی مانند کمیسیون‌ها و شوراهای حل اختلاف اداری نیز بخشی از وظایف نظارتی را بر عهده دارند. در مقابل، نظام حقوقی عراق نیز که پس از تصویب قانون اساسی سال ۲۰۰۵ و اصلاحات قضایی جدید، به‌سوی بازسازی نهادهای نظارتی حرکت کرده است، دیوان اداری را به‌عنوان مهم‌ترین مرجع نظارت بر اختیارات اداری مستقر ساخته است. هرچند این دیوان از لحاظ ساختار و اهداف تا حدودی مشابه دیوان عدالت اداری ایران است، اما در عمل با چالش‌های بیشتری چون تداخل صلاحیت‌ها، ضعف استقلال قضایی و اجرای آراء مواجه است (بدری، ۲۰۱۷: ۹۷).

با وجود اشتراک فقهی و فرهنگی میان ایران و عراق، تفاوت در ساختارهای سیاسی، شیوه‌ی قانون‌گذاری و سابقه‌ی تحول نهادی، موجب شده است که هر دو کشور مسیر متفاوتی را در تنظیم رابطه میان اداره و شهروندان طی کنند. در ایران، پیوند عمیق میان فقه امامیه و حقوق اداری موجب پیدایش الگویی خاص از نظارت قضایی شده است که در آن، اصولی مانند قانونی بودن، بی‌طرفی، حق دفاع و حق شکایت اداری از جایگاهی بنیادین برخوردارند (جعفری، ۱۴۰۰: ۵۲). اما در عراق، گرچه ریشه‌های فقهی مشترک وجود دارد، تأثیرپذیری از نظام حقوقی کشورهای غربی و شرایط خاص سیاسی پس از سقوط رژیم سابق، موجب پیدایش ساختار متفاوتی در تنظیم اختیارات اداری گردیده است.

مسأله‌ی اساسی آن است که آیا این نهادهای نظارتی در عمل توانسته‌اند توازنی میان اقتدار دولت و حقوق شهروندان برقرار کنند؟ به بیان دیگر تا چه حد این نهادها، به‌ویژه دیوان عدالت

اداری ایران و دیوان اداری عراق، در تحقق عدالت اداری، جلوگیری از خودسری مقامات و تضمین اصل پاسخگویی موفق بوده‌اند؟ پاسخ به این پرسش مستلزم تحلیل تطبیقی مبانی، ساختار و کارکرد این نهادها در دو کشور است تا میزان کارآمدی و چالش‌های عملی آن‌ها مشخص گردد.

ضرورت این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که در جهان امروز، قدرت اداری نه تنها عامل توسعه و نظم، بلکه در غیاب نظارت، تهدیدی برای حقوق اساسی افراد است. به همین دلیل، شفاف‌سازی و ارزیابی نهادهای نظارتی در دو نظام هم‌خاستگاه فقهی اما متفاوت از لحاظ نهادی، می‌تواند الگویی برای اصلاح و تقویت سازوکارهای عدالت اداری در کشورهای اسلامی ارائه دهد. پژوهش حاضر با اتخاذ رویکرد تطبیقی، به دنبال آن است که ضمن تبیین وجوه اشتراک و افتراق نهادهای نظارتی در ایران و عراق، میزان کارآمدی آن‌ها را در تضمین حاکمیت قانون و تحقق عدالت اداری ارزیابی کند و در نهایت، راهکارهایی برای ارتقاء تعامل و اصلاح نظام نظارتی دو کشور پیشنهاد نماید.

۲- مبانی نظری و قانونی نهادهای نظارتی در ایران و عراق

نظارت بر اختیارات اداری یکی از ارکان اصلی نظام حقوق عمومی در جوامع دموکراتیک و اسلامی است، زیرا تضمین‌کننده‌ی حاکمیت قانون، جلوگیری از خودکامگی اداری و حمایت از حقوق شهروندان در برابر دولت به شمار می‌آید. در واقع، هر نظام سیاسی که قدرت اجرایی در آن گسترده و متمرکز باشد، نیازمند مکانیسم‌هایی برای کنترل آن است تا اعمال قدرت در چارچوب قانون صورت گیرد. این اصل که ریشه در فلسفه‌ی سیاسی کلاسیک و اندیشه‌ی حاکمیت قانون دارد، در نظام‌های اسلامی نیز با آموزه‌های فقهی و اخلاقی مانند عدالت، امر به معروف و نهی از منکر و رعایت حقوق مردم پیوند خورده است (زارع، ۱۳۹۲: ۱۴۷).

در حقوق ایران، نظارت بر اداره از دو منبع اساسی یعنی فقه امامیه و قانون اساسی نشئت می‌گیرد. در فقه اسلامی، مشروعیت حکومت و اعمال قدرت به عدالت و رعایت مصالح عمومی مشروط است. امام علی(ع) در فرمان معروف به مالک اشتر، تأکید می‌کند که کارگزاران حکومت باید تحت نظارت دائمی قرار گیرند و هرگونه ظلم و انحراف در تصمیمات آنان به‌سرعت اصلاح شود. این مبانی فقهی، در اندیشه‌ی حقوقی معاصر ایران به‌صورت اصولی چون «اصل قانونی بودن تصمیمات اداری» و «اصل مسؤولیت مقام اداری» تجلی یافته است (رحمانی، ۱۳۹۹: ۷۱).

از نظر قانونی، اصل ۱۷۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین مبنا برای نهادینه‌سازی نظارت قضایی بر اداره است. این اصل، دیوان عدالت اداری را به‌عنوان مرجع رسیدگی به شکایات مردم از تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی تأسیس کرده و آن را در زیرمجموعه قوه قضاییه قرار داده است. در کنار این اصل، مواد متعدد قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری (مصوب ۱۳۹۲) دامنه صلاحیت و وظایف این نهاد را مشخص کرده‌اند (بهرامی، ۱۳۹۵: ۱۳۵). بر اساس این قانون، دیوان صلاحیت دارد تا مصوبات و تصمیمات خلاف قانون یا شرع را ابطال کند، به تظلمات مردم از دستگاه‌های اجرایی رسیدگی نماید و اختلافات ناشی از روابط استخدامی کارکنان دولت را حل کند. در کنار دیوان عدالت اداری، اصول ۵۷ و ۱۷۴ قانون اساسی نیز نقش مکملی در نظام نظارت اداری دارند. اصل ۵۷ با تأکید بر تفکیک قوا، اعمال قدرت دولت را محدود و مشروط به نظارت می‌سازد و اصل ۱۷۴ با تأسیس سازمان بازرسی کل کشور، نظارت بر حسن جریان امور و اجرای قوانین را تضمین می‌کند. مجموعه‌ی این اصول، در واقع شبکه‌ای از نظارت‌های قضایی، اداری و شبه‌قضایی را به وجود آورده‌اند که وظیفه‌ی کنترل رفتار اداری را از ابعاد مختلف بر عهده دارند (موسوی، ۱۳۹۷: ۶۷).

در عراق نیز، مفهوم نظارت اداری و قضایی ریشه در هر دو منبع فقه اسلامی و قانون اساسی دارد. با تصویب قانون اساسی جدید در سال ۲۰۰۵، استقلال قوه قضاییه و تأسیس دیوان اداری به‌عنوان رکن نظارت بر اداره به‌صورت رسمی در نظام حقوقی عراق پذیرفته شد. ماده ۱۰۰ این قانون تصریح می‌کند که دیوان اداری، مرجع رسیدگی به دعاوی ناشی از تصمیمات و اقدامات اداری است و می‌تواند در صورت احراز تخلف یا تجاوز از حدود اختیارات قانونی، تصمیم را لغو یا اصلاح نماید. قانون دادرسی اداری عراق مصوب ۲۰۱۵ نیز جزئیات

صلاحیت، ترکیب و شیوه‌ی رسیدگی در دیوان را مشخص کرده است (عبدالزهرا، ۲۰۲۱: ۹۳).

وجه اشتراک اساسی میان دو کشور، پذیرش اصل حاکمیت قانون و ضرورت پاسخگویی دولت در برابر مردم است. با این حال، تفاوت‌های عمده‌ای در ساختار حقوقی و میزان تمرکز نظارت وجود دارد. در ایران، دیوان عدالت اداری نهادی متمرکز، تخصصی و دارای اقتدار قضایی است (بیات، ۱۳۹۴: ۹۹)؛ اما در عراق، پراکندگی در نظام نظارتی و تداخل صلاحیت میان دیوان اداری، دادگاه‌های فدرالی و کمیسیون‌های انضباطی سبب کاهش هماهنگی و کارآمدی شده است. در سطح نظری، هر دو نظام به مبانی فقهی مشترکی چون عدالت، رعایت حقوق رعیت، نهی از منکر، و مسؤولیت حاکم در برابر مردم متکی هستند. با این وجود، ایران توانسته است این مبانی را در قالب نهادهای مدرن قضایی نهادینه سازد، درحالی‌که در عراق، تحولات سیاسی و ناپایداری نهادی مانع از تحقق کامل این مبانی در عرصه‌ی عمل شده است.

۳- ساختار و کارکرد نهادهای قضایی و شبه‌قضایی ناظر بر اداره

در ایران، دیوان عدالت اداری به‌عنوان عالی‌ترین مرجع نظارت بر اختیارات اداری، زیر نظر قوه قضاییه فعالیت می‌کند. این دیوان از سه بخش اصلی تشکیل شده است: شعب بدوی، شعب تجدیدنظر و هیأت عمومی. شعب بدوی وظیفه رسیدگی به شکایات اولیه از تصمیمات و اقدامات اداری را بر عهده دارند، درحالی‌که شعب تجدیدنظر مسئول بررسی اعتراضات نسبت به آراء صادره هستند. هیأت عمومی نیز صلاحیت صدور آراء وحدت رویه و ابطال مصوبات و آیین‌نامه‌های خلاف قانون یا شرع را دارد (کاظمی، ۱۴۰۰: ۵۷).

یکی از ویژگی‌های متمایز دیوان عدالت اداری ایران، ترکیب آن از قضات با سابقه و متخصص در حقوق عمومی و اداری است. این ترکیب تخصصی موجب ارتقاء سطح کیفی آراء و افزایش اعتبار قضایی دیوان شده است. افزون بر این، استقلال نسبی دیوان از سایر قوا، ضمانت مهمی برای بی‌طرفی در رسیدگی محسوب می‌شود. از نظر عملکرد، دیوان عدالت اداری در طول چهار دهه فعالیت خود نقش مهمی در تحدید اختیارات اداری و صیانت از حقوق شهروندان ایفا کرده است. آراء متعددی از هیأت عمومی این دیوان منجر به ابطال مقرراتی شده که مغایر با قانون اساسی یا اصول عدالت اداری بوده‌اند؛ مانند ابطال بخش‌نامه‌های مالیاتی، دستورالعمل‌های شهرداری‌ها یا مصوبات دولتی خارج از حدود اختیارات (جعفری، ۱۴۰۰: ۴۴). در کنار دیوان عدالت اداری، مراجع شبه‌قضایی نیز در ایران نقش مکملی در نظام نظارت دارند. از جمله مهم‌ترین این نهادها می‌توان به کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری‌ها، کمیسیون‌های مالیاتی، هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان دولت و هیأت‌های حل اختلاف کارگر و کارفرما اشاره کرد. هرچند این نهادها از لحاظ سازمانی جزئی از قوه مجریه محسوب می‌شوند، اما به دلیل ماهیت رسیدگی و شبه‌قضایی بودن فرایند تصمیم‌گیری‌شان، در زمره‌ی مراجع نظارتی قرار می‌گیرند. کارکرد اصلی این مراجع، تسریع در رسیدگی، کاهش حجم پرونده‌های قضایی و تسهیل دسترسی مردم به عدالت اداری است (انصاری، ۱۳۹۶: ۱۰۵).

در عراق، دیوان اداری در قالب شورای عالی قضایی فعالیت می‌کند و به دعاوی اداری و استخدامی رسیدگی دارد. ترکیب دیوان شامل رئیس، معاون و تعدادی مستشار است که از میان قضات با تجربه‌ی حداقل ده سال در امور اداری انتخاب می‌شوند. دیوان اداری عراق در دو سطح بدوی و استینافی عمل می‌کند و از لحاظ ساختار سازمانی از دیوان عدالت اداری ایران ساده‌تر است. صلاحیت دیوان شامل رسیدگی به شکایات ناشی از تصمیمات مقامات اجرایی، دعاوی انضباطی و اختلافات ناشی از تخلفات کارکنان دولت است. در کنار دیوان اداری، مراجع شبه‌قضایی متعددی نیز در عراق فعالیت دارند، مانند کمیسیون‌های انضباطی در وزارتخانه‌ها، هیأت‌های رسیدگی به دعاوی استخدامی و کمیسیون‌های تحقیق در پرونده‌های فساد اداری. هرچند هدف از ایجاد این نهادها تسریع در فرایند رسیدگی است، اما فقدان هماهنگی نهادی و ضعف در ضمانت اجرای تصمیمات باعث شده است که نقش نظارتی آن‌ها در عمل محدود بماند (خزرجی، ۲۰۱۸: ۹۰).

تفاوت اصلی میان ایران و عراق در این است که در ایران، نهادهای شبه‌قضایی از لحاظ حقوقی در چارچوبی نسبتا منسجم

فعالیت می‌کنند و تحت نظارت دیوان عدالت اداری قرار دارند؛ درحالی‌که در عراق، مراجع شبه‌قضایی پراکنده‌اند و وحدت رویه قضایی در میان آن‌ها وجود ندارد. در نتیجه، تصمیمات صادره گاه با هم متعارض‌اند و شهروندان در پیگیری حقوق خود با دشواری مواجه می‌شوند.

۴- تحلیل تطبیقی کارآمدی و چالش‌های نظارت اداری در ایران و عراق

بررسی تطبیقی عملکرد نهادهای نظارتی در دو کشور نشان می‌دهد که هرچند هر دو نظام از مبانی نظری مشابهی برخوردارند، اما در اجرا با تفاوت‌های قابل‌توجهی مواجه‌اند. در ایران، ساختار منسجم دیوان عدالت اداری، وجود هیأت عمومی، رویه‌ی قضایی مستمر و شفاف و قابلیت ابطال مقررات خلاف قانون، موجب شده است که نظام نظارت اداری از سطحی از کارآمدی برخوردار باشد. به‌ویژه در دهه اخیر، گسترش صلاحیت دیوان به سازمان‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی، نقش مهمی در ارتقاء حاکمیت قانون ایفا کرده است (حسینی، ۱۳۹۳: ۵۹).

در مقابل، در عراق اگرچه پس از سال ۲۰۰۵ اصلاحات مهمی در جهت ایجاد نظام نظارت اداری صورت گرفته، اما بی‌ثباتی سیاسی، فساد اداری و ضعف استقلال قضایی از عوامل بازدارنده‌ی توسعه‌ی مؤثر این نهادها بوده است (سالم، ۲۰۱۶: ۳۱). بسیاری از آراء دیوان اداری عراق در مرحله‌ی اجرا با مقاومت نهادهای اجرایی روبه‌رو می‌شود، زیرا ضمانت اجرای مؤثری برای تبعیت دستگاه‌های اداری از تصمیمات قضایی وجود ندارد. از منظر تطبیقی، تفاوت دیگر در میزان نفوذ فقه در نظام نظارت است. در ایران، اصول فقه امامیه مانند «لاضرر»، «اصل عدالت» و «اصل شورا» در تفسیر آراء دیوان عدالت اداری نقش فعالی دارند، درحالی‌که در عراق، گرچه فقه جعفری در قانون اساسی به‌عنوان منبع تشریع شناخته شده، اما در عمل، رویه‌های قضایی بیشتر متأثر از نظام حقوقی فرانسوی و مصری‌اند (کعبی، ۲۰۱۹: ۱۸۵).

در بعد کارآمدی، شاخص‌هایی چون سرعت رسیدگی، شفافیت آراء صادره، میزان اجرای احکام و دسترسی عمومی به عدالت اداری قابل بررسی است. ایران در زمینه‌ی شفافیت و انسجام رویه‌ها عملکرد قابل قبولی دارد، اما در زمینه‌ی سرعت رسیدگی و اجرای آراء هنوز با چالش‌هایی مواجه است. در عراق، مشکل اصلی ضعف ضمانت اجرا و کمبود قضات متخصص است. به‌طورکلی، می‌توان نتیجه گرفت که ایران در ایجاد نظامی متمرکز و تخصصی برای نظارت بر اختیارات اداری موفق‌تر بوده است، درحالی‌که عراق هنوز در مرحله‌ی تثبیت ساختارهای نظارتی و ایجاد هماهنگی میان نهادهای متعدد قرار دارد. هر دو کشور برای دستیابی به نظارت اداری مؤثر، نیازمند اصلاحات حقوقی، آموزشی و نهادی هستند.

نتیجه‌گیری

نظارت بر اختیارات اداری، یکی از پایه‌های بنیادین نظام حقوق عمومی در هر جامعه‌ای است که به دنبال تحقق عدالت، حاکمیت قانون و پاسخ‌گویی دولت در برابر مردم می‌باشد. تحلیل تطبیقی نظام‌های نظارتی ایران و عراق نشان داد که هر دو کشور از لحاظ نظری و فقهی بر اصولی مشترک چون عدالت، رعایت حقوق مردم و ضرورت کنترل قدرت مبتنی‌اند، اما در اجرا مسیرهای متفاوتی پیموده‌اند. در ایران، نهاد دیوان عدالت اداری به‌عنوان محور اصلی نظارت قضایی توانسته است ساختاری نسبتا منسجم و مؤثر ایجاد کند، درحالی‌که در عراق، با وجود تأسیس دیوان اداری و اصلاحات قانونی پس از ۲۰۰۵، نظام نظارت هنوز در حال تثبیت و نهادینه شدن است.

در سطح مبانی نظری، فقه امامیه در هر دو کشور نقش مهمی در تبیین حدود و ثغور قدرت اداری ایفا کرده است. مفاهیمی چون «اصل عدالت»، «امر به معروف و نهی از منکر»، «اصل شورا» و «مسؤولیت حاکم» چارچوبی اخلاقی و حقوقی برای مشروعیت قدرت اجرایی فراهم می‌آورد. با این حال، ایران توانسته است این مبانی را در قالب ساختارهای قانونی مدرن مانند دیوان عدالت اداری و سازمان بازرسی کل کشور نهادینه کند، درحالی‌که در عراق، مبانی فقهی بیشتر در سطح نظری باقی مانده و هنوز به‌صورت کامل در نهادهای اجرایی و قضایی منعکس نشده‌اند. از نظر ساختاری، دیوان عدالت اداری ایران با برخورداری از ترکیب تخصصی قضات، صلاحیت گسترده، هیأت عمومی مقتدر و رویه‌ی قضایی مستمر، توانسته است نقش تعیین‌کننده‌ای در تحدید اختیارات دولت و ابطال مصوبات

غیرقانونی ایفا کند. آراء دیوان در سال‌های اخیر، به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند مقررات شهرداری‌ها، مصوبات مالیاتی و آیین‌نامه‌های اداری، موجب ارتقاء شفافیت و حاکمیت قانون در حوزه اجرایی کشور شده است. افزون بر این، نظارت سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات، به‌عنوان نظارت‌های مکمل، مانع از تمرکز و خودسری اداری در بخش‌های مختلف شده‌اند.

در مقابل، دیوان اداری عراق اگرچه از نظر قانونی دارای اختیارات مشابهی است، اما به دلیل ضعف استقلال قضایی، کمبود قضات متخصص و فقدان ضمانت اجرای مؤثر، کارآمدی محدودی در عمل دارد. بسیاری از تصمیمات دیوان در برابر مقاومت دستگاه‌های اجرایی یا مداخلات سیاسی بی‌اثر می‌ماند. از سوی دیگر، نبود هماهنگی میان مراجع شبه‌قضایی و قضایی در عراق موجب شده که رویه‌های متعارض و گاه متناقض در حوزه تصمیم‌گیری اداری شکل گیرد و اعتماد عمومی به نظام عدالت اداری کاهش یابد. از منظر تطبیقی، مهم‌ترین تفاوت دو نظام در سطح «نهادینه‌سازی» اصول نظارتی است. ایران توانسته است با پیوند میان مبانی فقهی و سازوکارهای حقوقی مدرن، نظامی نسبتا پایدار از نظارت قضایی بر اداره ایجاد کند. در مقابل، عراق هنوز در مرحله‌ی گذار نهادی قرار دارد و ضعف ثبات سیاسی و گسست تاریخی در نظام حقوقی مانع از تحقق کامل این هدف شده است. با این حال، در هر دو کشور ضرورت تقویت فرهنگ پاسخ‌گویی اداری، ارتقاء شفافیت و افزایش اعتماد عمومی نسبت به نهادهای قضایی احساس می‌شود.

بر اساس یافته‌های پژوهش، چالش‌های مشترکی در دو کشور وجود دارد، از جمله:

۱. طولانی بودن فرایند رسیدگی و عدم دسترسی آسان مردم به عدالت اداری؛

۲. ضعف ضمانت اجرای احکام نهادهای قضایی و شبه‌قضایی؛

۳. کمبود آموزش‌های تخصصی برای قضات و مدیران اجرایی در زمینه حقوق اداری؛

۴. نبود هماهنگی میان نهادهای نظارتی مختلف؛

۵. ضعف اطلاع‌رسانی عمومی نسبت به نقش و کارکرد این نهادها.

با وجود این چالش‌ها، تجربه ایران نشان می‌دهد که تقویت استقلال نهادی، شفافیت رویه‌ها و تکیه بر فقه تطبیقی می‌تواند به ارتقاء کارآمدی نظارت قضایی بینجامد. در عراق نیز، ایجاد دیوان اداری مستقل در سطح فدرال و تدوین آیین‌دادرسی یکپارچه، گام‌های مثبتی در جهت اصلاح نظام نظارتی محسوب می‌شود، هرچند نیازمند استمرار سیاسی و تقویت ظرفیت حقوقی است. در پایان می‌توان گفت که آینده‌ی نظارت اداری در ایران و عراق، به میزان توان این کشورها در تلفیق ارزش‌های فقهی و سازوکارهای حقوقی مدرن بستگی دارد. هر دو نظام برای تحقق عدالت اداری نیازمند بازنگری در قوانین موجود، آموزش قضات متخصص، تقویت شفافیت نهادی و گسترش فرهنگ پاسخ‌گویی عمومی هستند. تنها از طریق این اصلاحات می‌توان از تمرکز بی‌ضابطه قدرت جلوگیری کرد و زمینه را برای تحقق واقعی عدالت اداری فراهم ساخت.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماما رعایت گردید.

تعارض منافع: در مقاله حاضر تضاد منافعی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: پژوهش حاضر بدون تأمین مالی انجام شده است.

منابع و مآخذ

– احمدی، س (۱۳۹۷). «نقش دیوان عدالت اداری در تضمین حقوق شهروندی». *فصلنامه حقوق عمومی*، ۹(۳): ۲۵–۵۵.

– انصاری، م (۱۳۹۶). *نظارت اداری و قضایی بر اعمال دولت*. تهران: میزان.

– بدری، م (۲۰۱۷). *النظام القانونی للرقابة الإداریة فی العراق*. بغداد: دارالحکمة.

– بهرامی، ع (۱۳۹۵). *حقوق اداری تطبیقی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

– بیات، ف (۱۳۹۴). «تحلیل تطبیقی نظارت قضایی در ایران و عراق». *مجله پژوهش‌های حقوقی تطبیقی*، ۶(۲): ۸۱–۱۰۵.

– جعفری، م (۱۴۰۰). *مبانی فقهی حقوق عمومی*. تهران: نشر سمت.

– حسینی، ر (۱۳۹۳). *نقش قوه قضاییه در کنترل اختیارات اداری*. تهران: پژوهشگاه قوه قضاییه.

– خزرجی، ح (۲۰۱۸). *القضاء الإداری فی العراق*. النجف: جامعة الکوفة.

– رحمانی، س (۱۳۹۹). «تأثیر اصل قانونی بودن بر تحدید اختیارات اداری». *فصلنامه حقوق تطبیقی*، ۸(۲): ۶۳–۹۲.

– زارع، ع (۱۳۹۲). *دیوان عدالت اداری و نظام نظارت بر دولت*. تهران: میزان.

– سالم، ن (۲۰۱۶). *الفقه الإسلامی و الرقابة علی السلطة الإداریة*. بغداد: دارالنور.

– سیدموسوی، ح (۱۳۹۷). فقه سیاسی امامیه و نظارت بر حاکم. قم: مؤسسه امام خمینی.

– عبدالزهرا، ط (۲۰۲۱). *النظام القضائی و الرقابة الإداریة فی العراق الجدید*. بغداد: جامعة المستنصریة.

– کاظمی، ح (۱۴۰۰). *تحلیل تطبیقی نظام نظارت قضایی بر اداره در ایران و عراق*. تهران: دانشگاه تهران.

– کعبی، ع (۲۰۱۹). «تحدید السلطة الإداریة و ضمانات الرقابة القضائیة». *مجلة البحوث القانونیة*، ۴(۲): ۷۷–۱۰۴.